



سرشناسه: منصورى، نگار، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پديدآور: يك سده معماری / (ده) عمارت تهران / تالیف نگار منصورى؛ ناظر علمى کاوه بذرافکن.

مشخصات نشر: تهران: شهردارى تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، انتشارات، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهرى: ۳۶۴ ص.: مصور (بخشى رنگى)، جدول: ۲۲ x ۲۹ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۶-۳۳-۰

وضعیت فهرست نویسى: فیا

موضوع: معماری -- ایران -- تهران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق. - ۱۴

Architecture -- Iran -- Tehran -- History -- ۱۹ - ۲۰th century

؟؟ ساختمان های تاریخی -- ایران -- تهران -- قرن ۱۳ ق. - ۱۴

معماری جدید -- ایران -- تهران

Architecture, Modern -- Iran -- Tehran

شناسه افزوده: شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، انتشارات

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۹۶۲۸۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد حذفی

www.ketab.ir



مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

یک سده معماری / ده عمارت تهران

تألیف: نگار منصوری

ناظر علمی: کاوه بذرافکن

طراح کتاب (جلد و صفحه‌آرایی):
مجید کاشانی (استودیو دفتر)

اجرای صفحه‌آرایی: استودیو دفتر (سمیه نظیفی نوری)
بازتوسیم نقشه‌ها: مینوش نظری

ویراستاری: مؤسسه فرهنگی هنری نگاه نو تهران

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

شمارگان: ... نسخه

بیا: زبان

ناشر: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۶-۳۳-۰

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی:

خیابان شریعتی، پل رومی، خیابان شهید اکبری

نبش خیابان آقابزرگی، شماره ۳۲

کدپستی: ۱۹۶۶۳۵۶۱۱ | تلفن: ۲۳۳۹۲۰۸۲

rpc.tehran.ir | info@rpc.tehran.ir

درآمد

- ۱ دارالمحرمین و دانشسرای عالی
 - ۲ رادیوی سیم پهلو
 - ۳ سینما واریتا متروپل
 - ۴ کارخانه کانادادرای
 - ۵ ساختمان دورهٔ عمومی دانشگاه صنعتی آریامهر
 - ۶ تالار جلسات مجلهٔ شومرای ملی
 - ۷ مجتمع خوابگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران
 - ۸ ترمینال مسافری شماره ۱ - فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
 - ۹ مسجد کوی دانشگاه تهران
 - ۱۰ بوتیک هتل حنا
- سخن آخر
- پایوست

۱۲

۲۶

۶۰

۸۸

۱۱۲

۱۳۲

www.ketab.ir

۱۶۶

۲۲۲

۲۵۰

۳۰۴

۳۲۶

۳۵۰

۳۶۲

معماری برآیند کالبدی اندیشه‌های انسانی و ویژگی‌ها و آرمان‌های سازندگان آن به شمار می‌آید که در صورت ماندگاری در طول زمان به میراث فرهنگی ملموس جامعه تبدیل شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. همان‌طور که آثار معماری گذشتگان به‌عنوان میراثی فرهنگی به نسل امروز انتقال یافته، آثار ارزشمند معماری دوره معاصر نیز به نسل آینده منتقل می‌شود. با چنین نگرشی ضروری است سهمی برای معماری دوره معاصر در تکمیل میراث فرهنگی در نظر گرفت. میراثی که لازم است به‌دقت از آن حفاظت و نگهداری شده و به نسل‌های بعد منتقل شود.

با نگاهی به معماری بناها در شهر تهران می‌توان دریافت معماری دوره معاصر شهر تهران دارای تنوع و تمایزاتی است که بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های معمارانه، می‌توان آن‌ها را به جریانی ویژه در معماری وابسته دانست. شناسایی اساس و جوهر معماری دوره معاصر در شهر تهران دستمایه‌ای است که کمک می‌کند این جوهر در معماری امروز به کار بسته شده و بناهای پایداری از نظر فرهنگی و محیط‌زیستی و در نتیجه ماندگار پدید آید. بررسی و تحلیل این آثار به کشف تحولات معماری و جوهر فرهنگی آن‌ها و در نتیجه خلق آثار ارزشمند مشابه کمک می‌کند.

از همین روی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران با اقدام به انتشار کتاب حاضر، تلاش دارد تا با معرفی ارزش‌های معماری دوره معاصر شهر تهران از رهگذار بررسی برخی از بناهای شاخص ساخته شده در یکصد سال اخیر که با همت بلند معماران و بر اساس تجارب تاریخی حاصل از هزاران سال فعالیت مستمر به‌کاربرانی عرضه شده است، مخاطبان را به سمت حفظ ارزش‌های معماری و فرهنگی و تسریع فرایند‌های امروزی هدایت کند.

بدیهی است، نگارش این کتاب گوشه‌ای از تحولات معماری دوره معاصر در شهر تهران است تا حاصل آن بتواند در اختیار دانش‌پژوهان و متخصصین قرار گیرد. امید است این کتاب و کتاب‌هایی از این دست با بازشناسی و تبیین موفقیت‌های معماری معاصر شهر تهران، بتواند به تعریف گسترده‌تری از مفاهیم معماری منجر شود و به ارتقای وسعت دید و آگاهی مدیریت شهری، متخصصین، پژوهشگران و دانشجویان این حوزه بیانجامد.

عطاءالله رفیعی آتانی

مشاور شهردار تهران و رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

مهر ماه امسال، در روزی که با تعدادی از مدرسین همکار در دانشگاه کنت (UNIVERSITY OF KENT) و دانشجویانمان سفری بازدیدی از شرق شهر لندن داشتیم، در مسیر برگشت به سمت ایستگاه قطار از میان پارک المپیک که در سال ۲۰۱۲ به مناسبت بازی‌های المپیک تابستانی و به منظور احیای بافت مشکل‌دار این بخش شهر برنامه‌ریزی و ساخته شده بود، تصادفاً خودمان را در کنار ساختمان مرکز ورزشگاه آبی المپیک (AQUATIC CENTRE) دیدیم. ساختمانی که توسط دفتر زها حدید طراحی شده بود و با سقف موجی شکل و اغواگرانه خود که از سطح زمین در یک انتها برخوابسته و به نرخی در منتهی‌الیه دیگر بر زمین فرود می‌آید، به نماد این رویداد بین‌المللی برای شهر تبدیل شد. ولی آن روز در مقابل ما ساختمانی وجود داشت که با بافت گسترش یافته اطراف خود پیوند خورده و حیات شهر و محله در آن جریان داشت. حضور شهروندان، خانواده‌ها و کودکانی که با موهای خیس و ساک دستی و کوله پشتی در حال رفت‌وآمد به ساختمان بودند، تصویری متفاوت از آنچه یازده سال پیش در اولین و تنها بازدیدم از ساختمان داشتم بود. در تجربه اول، ساختمان مختص ورزشکاران تراز اول جهان بود که در استخر اصلی آن و در مقابل چشم میلیون‌ها نفر رقابت می‌کردند، ولی امروز ساختمان در اختیار ساکنین شهر بود که از آن به صورت روزمره بهره‌مند می‌شدند.

به پیشنهاد دو نفر از اساتید، تصمیم گرفتیم از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و سری به داخل ساختمان بزنیم. در ورودی اصلی ساختمان، جایی که نیاز به خرید و ارائه بلیط برای ورود به مجموعه، جهت استفاده از امکانات آن بود به پیرمرد نگاهیان توضیح دادیم که صرفاً برای بازدید و نه استفاده از استخر به مجموعه آمدیم. پیرمرد که به نظر داوطلبانه در حال انجام وظیفه اجتماعی‌اش بود در جواب توضیحات همکار من با خوش‌رویی و حسی سرشار از غرور و اطمینان گفت:

«خانم، این ساختمان میراث باقی‌مانده همه ماست و هزینه‌های بلیط برای نگهداری از مجموعه‌ای است که باعث افتخارمونه»

در آن لحظه برای اولین بار به زها حدید غبطه خوردم. در طول سال‌های همکاری با او شاهد موفقیت‌های متعدد دفتر و افزایش معروفیت زها بودم. ولی انگار این بار با چیزی ناب‌تر روبه‌رو می‌شدم... دست‌آوردی رشک‌برانگیز که گویی ناب‌ترین آرزوی یک معمار را در خود مستتر داشت. موضوع معروفیت زها نبود که سال‌ها بود به دست او رسیده و البته که برای من هیچگاه حسرت‌برانگیز نبود؛ به احتمال پیرمرد حتی زها را نمی‌شناخت. ولی این بار تجربه بودن با اثری بود که در سال‌های کمی فراتر از صرفاً یک بنا، معماری‌ای ماندگار شده بود... میراثی زنده که شهر و زندگی شهروندان را زیباتر کرده و امکانی نو برای آینده آن خلق کرده بود. حدید اعلای عاملیت معمارانه!

تلاش پیوسته نگار منصوری در مستندسازی گذشته معماری و تحلیل آن برای کشایش دریچه‌هایی به سوی آینده، این بار به سمت این موضوع بسیار اساسی، البته در شرایط امروز بحرانی، آمده است. کار با ارزش او در مستندنگاری از ده اثر شاخص «معماری عمومی» تهران که هر کدام نماینده یک دهه از گذشته و حامل خاطرات جمعی تهراند، به همراه نقیسی عمیق‌تر به شناخت این آثار که از طریق گفتگو با صاحبان نظر در ورای تجربه زیسته‌شان زده، در عین حال هشدار هوشمندانه و مستند است.

در نگاه به فهرست مفصل اولیه ساختمان‌های کاندید شده برای انتخاب به‌نماینده هر دهه، ننگ شدن چشمگیر فهرست دو دهه اخیر از پروژه‌های عمومی ارزشمند که فضایی برای تعامل اجتماعی در راستای تبادل فرهنگی باشند، سخت پرسش‌برانگیز می‌نمود.

نگار عزیز در مقابل سؤال من از چرایی انتخاب یک پروژه کوچک هوشمند بازسازی از دهه نود در کنار پروژه‌های دهه‌های گذشته با چنین مقیاس‌هایی بزرگ و برنامه‌های عمومی تأثیرگذار در کالبد و تجربه عمومی شهر که رد فرهنگی‌شان تا ادبیات و سینما کشیده شده، با حوصله به‌مرور مجدد آثار موجود دو دهه اخیر تهران پرداخت. علی‌رغم تلاش طولانی من برای یافتن بنایی با اثرگذاری هم‌وزن آثار دهه‌های قبل، به‌جز قوطی‌های بزرگ خرید که فرصت و سرمایه ارضی و ارزی شهر را ربوده‌اند، هیچ نیافتیم.

تلاش نگار منصوری می‌تواند تلنگری جدی به موضوع اساسی فضاهای عمومی در مقطع نگران‌کننده فعلی و چشم‌انداز نه‌چندان روشن آینده‌اش باشد. حرکتی با ارزش که باید امیدوار بود موجب شکل‌گیری گفتگوهای تخصصی‌تر در این حوزه و بل مهم‌تر، یادآور حق عمومی ما شهروندان برای «داشتن» و «خواستن» بناهایی عمومی که بتوانند با داشتن طراحی ممتاز، مسبب ارتقای کیفی زیست‌مان برای این خاک باشند.

پاییز سال ۱۳۸۸، فردای روز دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد برای اتمام کارم در قزاق‌خانه شاهی (باغ ملی)، به مهندسین مشاور باوند مراجعه کردم. در این میان باتوجه‌به اینکه آتلیه شهرسازی مشغول پروژه «طرح منظر شهری محله عودلاجان» بود، درخواست همکاریم در این پروژه را با مهندس فرخ زنوزی مطرح کردم و این طرح درخواست، آشنایی من با سهراب سروش‌یانی (از اعضای گروه معماری دوران تحول) و ورودم به دنیای معماری معاصر را رقم زد، و مسیر مطالعاتی و پژوهشی مرا مشخص کرد. تلاش من برای شناخت معماری، تاریخ و فرهنگ ایران همیشه بخشی از زندگی و دغدغه‌های من بوده و خواهد بود، و آشنایی من با معماری معاصر و آغاز مطالعاتم در این حوزه، که بخشی از تاریخ این مرزوبوم است، من را روزبه‌روز، شیفته‌تر کرد.

کتاب حاضر حاصل سال‌ها تلاش و مذاقه در امر معماری معاصر ایران است که خود ادای دینی است به سرزمین کهن ایران. این کتاب بر اساس پروژه‌ای از مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، با عنوان «تحولات معماری یک قرن اخیر شهر تهران» تدوین شد که با پیشنهاد و معرفی من از طرف امیربانی مسعود که بسیار از ایشان سپاسگزارم، صورت پذیرفت. بنا، بر این گذاشته شد تا به دلیل گستردگی موضوع و حصول نتیجه بهتر، ده‌ها از هر دهه در طول یک‌صد سال اخیر انتخاب شود و با این کار برای شهرداری تهران این فرصت فراهم شود که در پایان قرن چهاردهم خورشیدی، پژوهشی جامع از وضعیت و روند تحولات و شکل‌گیری معماری عمومی شهر تهران داشته باشد. در این راستا تمام تلاش برای این بوده که کتاب به‌عنوان مرجع در دسترس خوانندگان و پژوهشگران قرار گیرد.

در روند جمع‌آوری مطالب این کتاب خود را وام‌دار کسانی می‌دانم که زمان و یافته‌های خود را بی‌دریغ در اختیارم گذاشتند؛ از آموزگارانم که دست‌بوس لطفشان هستم تا تمامی دوستان و عزیزانی که با محبت بی‌دریغ همیشه پاسخگو بوده و آنچه طلب کرده‌ام را در طبق اخلاص گذارده‌اند.

ادای احترام دارم به تمام کسانی که وجودم به وجودشان بسته بوده است و به آنانی که در شکل‌گیری و پایبندی من به اندیشیدن و آموختن نقش داشته‌اند: پدر و مادرم که نماد راستینی از صداقت، مهر و بخشش بوده‌اند و حاصل این پژوهش را به روح نازنینشان پیشکش می‌کنم. از یار و همسرم، حمیدرضا و برادر عزیزم، امید که همیشه در زندگی همراه و مشوق و در هر قدمی پشتیبانم بوده‌اند، قدر دانم.

از پدر و مادر نازنین همسرم که همیشه حامی من بوده‌اند، از همسر عزیزم، شوق و ترغیبی دریغ نکرده‌اند، سپاس فراوان دارم. از اعضای گروه معماری دوران تحول، بیژن شافعی، سهراب سروش‌یانی و دکتر دانیل سپاس فراوان دارم که در این مسیر خود را سخت‌مدیون ایشان می‌دانم و از اینکه این امکان را برابم فراهم نمودند تا در نگارش کتاب دستیارشان باشم و از کتابخانه و آرشیو مجموعه بهره ببرم، بسیار سپاسگزارم. بالاخص از بیژن شافعی تشکر ویژه دارم که در هر زمانی با پرسش‌های من مواجه شدیم با آغوش باز آموزگارم بوده و مدیون لطف بی‌دریغشان هستم.

از امیر شفیع، مدیر محترم گروه مطالعات معماری و شهرسازی، معاونت مطالعات شهرسازی، حمل‌ونقل و ترافیک و ریاست محترم مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران بسیار سپاسگزارم که اگر همراهی و لطف و کمک‌هایشان نبود این پروژه به نتیجه نمی‌رسید و همچنین از سوده احمدی، کارشناس محترم گروه که همواره همراه بوده و کمک‌شایانی در پیشبرد پروژه داشته است و زحمت‌های و پیگیری‌های متعدد اداری با ایشان بوده، سپاس فراوان دارم.

در این مسیر از کاوه بذرافکن، ناظر علمی پروژه، بسیار آموختم و ایشان را معلم و مشوق خود می‌دانم. ایشان با لطف بی‌دریغ خود این امکان را برای بنده فراهم نمودند تا در صورت لزوم جهت حل چالش‌های موجود در پروژه و هم‌فکری به ایشان مراجعه کرده و از نظرات ایشان بهره‌مند شوم، بسیار قدر دان وجود نازنینشان ایشان هستم.

با تشکر از دوست عزیزم الهه محرابی که در سخت‌ترین لحظات به یاری‌ام شتافته است و راهنمایی‌ها و نظرات تکمیلی‌اش همواره در نحوه شروع و انجام کار یاری‌رسان بوده است. سپاس ویژه دارم از دوستان عزیزم مریم قانع و الهام ارغوانی که همواره در دشوارترین شرایط در ویرایش ادبی کتاب یاری رساندند و مریم عزیز کل کتاب را صفحه‌به‌صفحه خواند و عالمانه حاشیه‌نویسی و اصلاح کرد. از دوست و همکار عزیزم بهناز زبانی برای همراهی همیشگی‌اش سپاس فراوان دارم.

از استاد عزیزم محمد سعید ایزدی بسیار سپاسگزارم که در روند انتخاب پروژه‌ها، تکمیل اطلاعات و معرفی افراد مطلع کمک‌شایانی نمودند و همواره یاری‌رسان بوده‌اند.

با تشکر از آرش طبیب‌زاده نوری عزیز که بی‌دریغ پرسش‌هایم را پاسخگو بوده و در تدقیق اطلاعات در ارتباط با معماران مربوطه و مصاحبه با آن‌ها به یاری‌ام شتافتند.

مهنوش نظری عزیز که عهده‌دار پیاده‌سازی نقشه‌ها بوده است و از ایشان برای دقت فراوان و همراهی‌شان بسیار ممنونم. تشکر ویژه دارم. از مجید کاشانی عزیز، که در استودیو دفتر زحمت طراحی گرافیک کتاب را برعهده گرفت و بر زیبایی بصری آن افزود؛ همچنین از زحمات سمیه نظیفی نوری عزیز که با سرعت و دقت زیاد در پیاده‌سازی صفحه‌بندی بسیار یاری‌رسان بود، سپاسگزارم.

علی‌رضا سیداحمدیان عزیز که در بهینه‌کردن دست‌نوشته‌های اینجانب از دیرباز نقش بسزایی داشته است و در این کتاب نیز ویرایش مجدد بخش‌های درآمد و حرف آخر را با دقت همیشگی به انجام رسانیدند که قدردان زحماتش هستم.

با تشکر بسیار از عزیزان، مازیار آبایی، یونس قهرمانی و حامد دارابی که به ترتیب در تکمیل اطلاعات فرودگاه بین‌المللی امام خمینی «ره»، بوتیک هتل حنا و دارالمعلمین عالی بسیار یاری‌رسان بودند و همچنین عزیزان، رضا شیرازیان، معراج قنبری و نسرین نوری برای در اختیار گذاشتن نقشه و تصاویر آرشیو شخصی‌شان کمال تشکر را دارم. از سام گیوراد عزیز بسیار سپاسگزارم که بی‌دریغ پاسخگوی پرسش‌هایم بوده و با راهنمایی‌ها و معرفی افراد در ارتقای کتابم نقش ویژه ایفا نموده است.

در تکمیل اطلاعات، تصاویر و نقشه‌های این کتاب از یاری و راهنمایی‌های فکری افراد زیادی بهره‌برده‌ام که خود را ملزم به سپاسگزاری از ایشان می‌دانم: از اساتید بزرگوار و عزیزم پیروز حناچی که ذهن مرا با جنبه‌های دیگر زبان معماری و شناخت آن آشنا کرده‌اند، اسکندر مختاری طالقانی که همیشه حامی و همراهم بوده‌اند، مرحوم ایرج کلاتتری طالقانی، فرامرز یارسی، محمد بهشتی، سیروس باور، اعظم خاتم، حسین ایمانی جاجری، عیسی حجت، حسین امانت، روح‌الله نیک‌خصال، علی‌رضا عینی‌فر و حمیدرضا انصاری که از دانسته‌هایشان بهره‌بردم، سپاس فراوان دارم. از عبدالرضا ذکایی، رجب حبیب‌اللهی و بالاخص عیسی ذکایی از مهندسان مشاور پل میر، سینا احمدی و مراد احمدی از مهندسان مشاور شارسنتان و همچنین نصرت‌الله مجلسی و حمید مفیدی از مهندسان مشاور آتک به جهت همراهی و در اختیار گذاشتن آرشیو تصاویر و نقشه‌های مرتبط با پروژه‌ها بسیار سپاسگزارم.

تشکر ویژه دارم از هومن طالبی که زحمت نوشتار بخش دیباچه با ایشان بوده است.

از هریرت کریمی مسیحی عزیز که تصویر مربوط به بیوگرافی، حاصل هنر ایشان است، سپاس فراوان دارم.

ویراستاری متن توسط مؤسسه فرهنگی هنری نگاه نو تهران به سرانجام رسیده و ارتقای کیفیت نوشتار مدیون یاری این مؤسسه بوده است. سپاسگزارشان هستم.

کلیهٔ مراحل چاپ، تولید و نشر کتاب با یاری انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است که سپاس ویژه خود را از این مرکز اعلام می‌دارم.

تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات مرهون همکاری مؤسسات و مراکز مختلف و همراهی و راهنمایی همکارانی است که تهیه این کتاب به کمک

آنها ممکن شده است. از مساعدت و یاری‌های همهٔ آنان نیز سپاسگزارم:

- مسعود متولی
- بابک افشار
- سیدعلی فضل‌هاشمی
- بهروز بهبهانی
- صالح شکوهی بیدهندی
- علی‌رضا حقوقی‌نیا
- ابوالفضل مرشدزاده
- شهباز غفوری
- سیامک اسدی
- مهندسان مشاور باوند
- مهندسین مشاور آتک
- مهندسین مشاور پل میر
- مهندسین مشاور شارسنتان
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
- سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور
- مجلس شورای اسلامی
- دانشگاه علم و صنعت ایران
- اداره کل امور خوابگاه‌ها و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- شرکت ارتباطات زیرساخت
- شهر فرودگاهی امام خمینی «ره»
- سازمان نقشه‌برداری کشور
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- روزنامه اطلاعات
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی

همواره قدردان عزیزانی هستم که دستم را به یاری فشردند، بی‌دریغ داشته‌ها و آموخته‌هایشان را در اختیارم قرار دادند و در برابر پرسش‌هایم از خود سعه صدر نشان دادند.

پژوهش پیش رو به بررسی و تحقیق در خصوص تحولات معماری یک قرن اخیر شهر تهران می‌پردازد و تجربه زیسته ده بنای عمومی (غیرمسکونی) این شهر را از منظر برخی از بزرگان و صاحب‌نظران معماری ایران کاوش می‌کند. این صاحب‌نظران تجربه زیسته از الگوهای متفاوت بناهای معاصر سده اخیر داشته و درک عمیقی از ویژگی فضاها و تغییر و تحول در مفهوم و مصادیق معماری بناها را ارائه داده‌اند.

سنت، از گذشته‌های دور تا قرن چهاردهم هجری شمسی، ارتباط دوسویه مؤثری بین مقتضیات انسانی و فضاها و معماری برقرار می‌کرد. حتی تا ابتدای قرن حاضر معماران سنتی هنوز به منبع غنی سنت اتصال داشتند و نوع خاص و معناداری از معماری را ارائه می‌کردند. اما به تدریج و بر اثر عواملی از داخل و خارج کشور، کیفیت از بناها رخت بریست و ساختمان‌سازی فاقد معماری در شهرهای ایران فکری و ذهنی امروزه در معماری شهرهای معاصر ایران، و بالاخص شهر تهران، مفهوم انسان در حال فراموشی و ماهیت معماری از فضای تهران محور به فضای شکل محور تغییر یافته است. به تعبیر دیگر، معماری بناهایی که برای انسان، تأمین آرامش، نیازهای اجتماعی و شناختی او ساخته می‌شدند، در حال تبدیل به معماری تبلیغاتی و مصرفی برای مشتری شده است، و تنها آنچه در نگاه اول به چشم زیبا باید مورد توجه قرار می‌گیرد، محصول این فرآیند، فضاها و معماری و شهری خالی از روح، خیال و خاطرات انسانی است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رهیافت پدیدارشناسی^۱ به خوانش معماری بناها و ساختارهای حاکم بر آنها از منظر اول

۱. دیوید سیمون، متفکر و پژوهشگر فعال در زمینه پدیدارشناسی معماری، «تجربه زیسته فضا» را چنین تعریف می‌کند: «به ساده‌ترین عبارت، پدیدارشناسی مطالعه تفسیری تجربه‌های انسانی است. هدف آن آموختن و روشن کردن موقعیت‌ها، رویدادها، معانی و تجربه‌های انسانی است، همان‌طور که خود به خود در زندگی هرروزه رخ می‌دهند. مقصود، توصیفی دقیق از زندگی آدمی است همان‌گونه که او زیسته و در تجربه‌های اول شخص او به صورت ملموس، ناگزیر و گاهی پرایهام بازتاب یافته است» (SEAMON, 2000: 157). «تجربه زیسته» به عنوان واحد معنادار نقطه آغاز و انجام تحقیق پدیدارشناسانه است. تجربه بی‌واسطه آدمی در زندگی است که برای او رخ می‌دهد. پیش از آنکه او حتی درباره این تجربه بیندیشد. تجربه‌های زیسته بی‌تا و منحصر به فردند و قابل تکرار نیستند. پدیدارشناسی، با سعی در توصیف پدیدارشناسانه، در صدد این است که تجربه زیسته را به بیانی متنی تبدیل کند. طوری که بازخواندن متن به باززیستن تجربه کمک کند (VAN MANEN, 2016: 35-36). و روشی است که به وسیله آن خواننده با هم‌ذات‌پنداری و نقش فعال قوه خیال هر چه بیشتر وجود خود را در آن تجربه حاضر می‌یابد و وجهی از کیفیت حضور در جهان را درمی‌یابد که با تفکیک فاعل شناسایی و موضوع شناخت قابل دستیابی نیست. منظور از فضا یا مکان زیسته نیز موقعیتی است که تجربه‌های زیسته ما در آنجا شکل می‌گیرد، اما متفاوت با معنای جغرافیایی مکان است. زیرا آنچه این وجه کیفیت حضور را می‌سازد تأثیر متقابلی است که یک مکان مشخص بر احساس ما از بودن در آنجا می‌گذارد و دوم تأثیر احساس ما از بودن در آنجاست که به آن مکان معنا می‌بخشد. کریستیان نوربرگ-شولتز، معمار و متفکر نروژی، از نسبت تجربه مکان با هویت وجودی آدمی سخن می‌گوید و هر تجربه انسانی را دارای سویه‌ای فضایی و مکان‌مند می‌داند و معنای فضا را به صورت امری در پیوند با وجود انسانی می‌یابد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹: ۵۳۹). کریستوفر الکساندر، متفکر و معمار آمریکایی نیز معتقد به وحدت رویداد و مکان و حضور مؤثر زندگی رخ داده در یک مکان، بر کالبد فیزیکی و هویت آنجاست. حضوری که قابل نظر کردن نیست و نقش اساسی در مطلوبیت - زنده بودن - یک الگو دارد. الکساندر معتقد است «آنچه در نظر اول هندسه‌ای مرده می‌نماید که بنا یا شهر می‌خوانیمش، در واقع چیزی است با روح و نظامی زنده و مجموعه‌ای از الگو رویدادهای هم‌جوار و در تعامل با یکدیگر» (الکساندر، ۱۳۹۳: ۶۲). منظور از تجارب زیسته مجموعه‌ای از سازمان‌های زمانی و فضایی است که با آگاهی بی‌واسطه ما از زندگی مرتبط بوده و در نمودهایی که جایگاهشان حافظه و ذهن انسان است، تجسم می‌یابند (BARKLEY & KRUGER, 2013: 208).

۲. «پدیدارشناسی» (PHENOMENOLOGY) را می‌توان در ابتدای امر بررسی ساختارهای تجربه و نوعی آگاهی تعریف کرد. پدیدارشناسی به معنای تحت‌اللفظی‌اش، شناخت یا بررسی پدیده‌ها است. پدیدارشناسی تجربه آگاهانه را از منظر سوژکتیو یا تجربه اول شخص مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، این حیطه از فلسفه را باید از سایر حیطه‌های اصلی فلسفی - هستی‌شناسی (بررسی هستی یا آنچه هست)، معرفت‌شناسی (معرفت‌شناسی (بررسی معرفت)، منطق (بررسی استدلال معتبر)، اخلاق (بررسی عمل درست یا نادرست) و غیره - متمایز کرد (اسمیت، ۱۳۹۳: ۹).

شخص می‌پردازد. در سنت پدیدارشناسانه، به معنایی که چیزها در تجربه ما دارند و به دلالت بناها، رویدادها، ابزارها، جریان زمان، در خود و دیگران، چنانکه در «زیست‌جهان» ما تجربه می‌شوند، پرداخته می‌شود. تحلیل پدیدارشناسانه نوع مشخصی از تجربه نشان می‌دهد که به چه صورتی آن شکل از فعالیت آگاهانه را تجربه می‌کنیم. به این ترتیب، پدیدارشناسی به منزله نوعی بررسی معناست. معنا و مفهومی گسترده که منحصر به آنچه در زبان بیان می‌شود نیست (اسمیت، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰). معماری وظیفه حفاظت از گذشته و توانمندساختن ما از لحاظ تجربه و درک پیوستار فرهنگ و سنت را بر عهده دارد. وجود انسان تنها در واقعیتی مادی اتفاق نمی‌افتد، بلکه او ساکن واقعیت‌های فرهنگی، روانی و زمانی نیز هست. واقعیت وجودی و زیسته انسان‌ها، وضعیت سترگ، لایه لایه و دائماً در حال نوسان است. معماری، ذاتاً، هنر مصالحه و میانجی‌گری است. ساختمان‌ها، فضا و مکانی برای سکونت و دربردارنده تجارب انسان‌ها در گذر زمان هستند. علاوه بر این، مناظر و ساختمان‌ها وظیفه مهم تجسم حافظه انسان را بر عهده دارند (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۷۰).

در روند انجام این پژوهش از تجربه زیسته تسی چند از صاحب‌نظران بهره گرفته شده است. تجربه زیسته یکی از مضامین مهم در اندیشه بسیاری از فیلسوفان فرانسوی قرن بیستم است، چنانچه موریس مرلو-پونتی، با بسط دادن شرح هوسرل از «بدن زیسته» (در برابر «بدن فیزیکی»)، جداسازی «ذهن» و «بدن» در سنت دکارتی را رد می‌کند. آن هم به این دلیل که تصویر بدن نه در گستره ذهنی است و نه در گستره جسمی، بلکه بدن من، یا به عبارتی «خود من»، در چالش با چیزهایی که ادراک می‌کنم، از جمله دیگران، است (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴، ۳۶). مرلو-پونتی صورت جسمانی و آگزیستانسیال را چنین بیان می‌کند:

وقتی درباره ذات سوژه تأمل می‌کنم، تا جایی که آن را وابسته به ذات بدن و ذات جهان درمی‌یابم، دریافتم به این دلیل است که وجود من در مقام سوژه = آگاهی با وجود من در مقام یک بدن و با وجود جهان کاملاً یکی است. به این دلیل که سوژه‌ای که من هستم، وقتی به نحو انضمامی در نظر گرفته شود، از این بدن و این جهان جدایی ناپذیر است. در یک کلام، آگاهی (در جهان) بدن‌مند [جسمانی] است، و به همان اندازه، بدن (با شناخت جهان) آکنده از آگاهی است. (اسمیت، ۱۳۹۳: ۳۷)

شخصیت انسان از امکان‌هایی با کلیت‌های آوری و خیال و تخیل نشأت گرفته است. واقعیت زیسته، از قوانین فضا و زمان پیروی نمی‌کند. فضای زیسته وجودی، کیفیت‌ها را است که از طریق حافظه و تجربه هر فرد تقسیم می‌شود. فضای زیسته، آمیزه‌ای از آبژه، سیاق آفرینش، تجربه هنر و معماری است. هنر، نه صرفاً بازنمایی‌های نمادین از زندگی، بلکه واقعیت زیسته را نشان می‌دهد. وظیفه معماری، چنانکه مرلو-پونتی در «تجارب تجارب»^۱ می‌نویسد، «عینیت یافتن ارتباط ما با جهان» است. بر مبنای انگاشتی از فلاسفه، ما در «جسمانیت جهان»^۲ تلاش می‌کنیم و چشم‌اندازها و ساختار معماری و بیان این جسمانیت وجودی، به آن افق‌ها و معانی ویژه‌ای اعطا می‌کنند (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۷). پدیدارشناسی نیز به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و برحسب تجارب زیسته آنان می‌پردازد و در پی فهم تجارب مشترک آنان است. پرست معتقد است کسانی که در حال به‌سربردن زندگی واقعی خویش در همجواری با پدیده مورد مطالعه هستند، تنها منبع مشروع داده‌هایی محسوب می‌شوند که محقق می‌تواند با اتکا به آنها به حقیقت پدیده دست یابد. مؤلفه‌های سازنده فرآیند طراحی و خلق مکان، زمانی اصالت وجودی می‌یابند که مبتنی بر «تجربه زیسته جسمانی» و «خاطرات جمعی و فردی» باشند.

بنابراین، در این پژوهش به دنبال مفاهیم زیبایی و تجربه زیباشناختی^۳ هستیم تا مفهوم زیبایی را از خلال تجربه زیسته افراد به‌دست آوریم و آنان به نوبه خود ادراک و تجربه زیباشناختی‌شان را پیرامون زیبایی یک بنای خاص معاصر بیان کنند.

۱. از آنجا که «قصیدیت» (INTENTIONALITY)، در نظر برنتانو، هوسرل و برخی دیگر، خاصه‌ای [خصیصه‌ای] اساسی از آگاهی است، خصوصیت قصدیت، خودپدیداری محسوب می‌شود؛ یعنی بخشی از اینکه تجربه‌کردن نوع معینی از تجربه قصدی چه کیفیتی دارد. اعمال بدن‌مندانه [جسمانی] هم خصوصیت پدیداری متمایزی دارند که متضمن خصوصیات «زیسته» حسی-حرکتی در کنار محتوای ارادی مفهومی است. (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۷)

۲. اروین یانوفسکی، مؤرخ تاریخ هنر، بر این نظر است که انسان می‌تواند هر امری را، چه طبیعی و چه مصنوعی، به نحو زیباشناسانه‌ای تجربه کند. زیباشناسی هرگاه به‌منزله پژوهش درباره برخی از تجربه‌های مشخص یا حالت‌های روحی معین - خواه نحوه نگارش، ادراکات، عواطف و خواه اعمال - تلقی شود، در پی این است که یک حالت روحی یا فعالیت ذهنی در چه حالت یا در چه زمانی فعالیت زیباشناختی به‌شمار می‌آید. برای تجربه زیباشناختی دو مینا قائل می‌شوند: گزینش آگاهانه و الهام. محور اصلی تحلیل‌ها، فاعل تجربه و دریافت مخاطب است. این بدان معناست که مخاطب در مواجهه با اثر هنری حالت ویژه‌ای می‌یابد که می‌توان آن را به‌نوعی تأمل و مراقبه تعبیر کرد.

هدف از این پژوهش، فهم حاصل از تجربه‌ای است که پس از حضور در یک بنا یا مجموعه به دست می‌آید؛ این پژوهش طیفی از نظریات هنرمندان و معماران و سایر متخصصان را در بر می‌گیرد. در پژوهش‌های گذشته، محققان کمتر به سراغ تجربه بی‌واسطه زندگی یا «تجربه زیسته فضا» رفته‌اند. از آنجا که تفکر صوری و مواجهه علمی و کمی با آثار معماری ما را به درک درستی از چیستی معماری منتهی نمی‌شود، رجوع به خود آثار هنری توأم با همدلی و هم‌زمانی معاصر ضروری به نظر می‌رسد تا با یافتن زبانی مشترک و مشترک‌المنافع با این آثار، مفاهیم بنیادین و ناگفته‌های آنها با فهم درست پدیده معماری آشکار شود. به نظر می‌رسد توجه به این مباحث از نظر کاربران، معماران و سازندگان منبع بسیار مهمی برای تحقیق درباره چیستی و چگونگی آن مکان است؛ با این مقول می‌توان راهی دیگر جست‌وجو کرد، رهیافتی که با تکیه بر «تجربه زیسته فضا» و زیبایی‌شناختی آن در فهم عمیق آثار معماری معاصر یک قرن اخیر شهر تهران مؤثر و کارآمد باشد. کیفیت معماری بناهای عمومی، هم به دلیل دامنه فراگیر تأثیرگذاری عینی و ذهنی آنها در هر دوره، نمودی از ارزش‌های معماری و میزان توانمندی معماران، و هم به لحاظ جایگاه آنها در تبیین و ترویج مفاهیم معماری و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر سلیقه مردم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بدین جهت، هدف دست‌یابی به شناخت، خوانش و تفسیر جدیدی از این بناها در تاریخ صدساله اخیر شهر تهران است. تا بتوان از آن طریق راهی به سوی بازترسیم فضاهای مبتنی بر واقعیت‌های عینی گشود. با تحلیل تجربه فضایی در متن آثار معماری معاصر شهر تهران، به بازشناسی و تحلیل ویژگی‌های آن پرداخته که در صورت وجود تبیین و تدوین می‌شوند. اگر معماری معنایی شاعرانه داشته باشد، باید پذیرفت آنچه بیان می‌کند برای آن چیزی است که در ظاهر می‌نماید. برای بیان تجربه معماری واژگان شاید کفایت لازم را نداشته باشند، اما طرحی از تجربه در قالب «تجربه زیسته» معنا و مفهوم خاصی به آن می‌دهد، چنانکه استیون هال معماری را «هنر میانجی‌گری و درهم‌آمیزی فضا و ماده و زمان در وجهی واحد» تعریف کرده که به آگاهی رسوخ می‌کند، و تجارب خاطره‌انگیز معماری از طریق این مکان و فضا یا لحظه خاص زمانی بازشناسی می‌شوند. در معماری تجربه‌های بی‌واسطه ادراکی، نه به صورت کلیت بلکه به مثابه مجموعه‌ای از تجارب مجزا درک می‌شود (هال و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۱، ۵۶). هدف از تحلیل آثار معماری معاصر، فهم تجارب مشترک عده‌ای از افراد و بازبینی تجارب بدیهی پنداشته و آشکار ساختن معانی جدید یا مغفول مانده است. هدف دیگر ما ارائه توصیفی جامع از پدیده تجربه‌شده جهت دستیابی به درک ساختار ذاتی آن و تبیین شاخص‌های تداوم معنای مکان است. توصیف و تفسیر کیفیت فضایی بناهای معاصر و کشف نسبت آن با کالبد بنا و پرداختن به ادراک زیبایی، به جای مفهوم زیبایی، با تجربه زیسته مردم است.

این پژوهش با هدف فهم تجربه حضور در بنا یا مجموعه، بر اساس نظریات صاحب‌نظران، بهره‌برداران و طراحان به واکاوی تجربه فضایی در شناخت بناهای عمومی معاصر و امروز تهران می‌پردازد. به واسطه تحلیل چنین رویکردهای بنیادینی در آثار معماری است که شیوه‌های متفاوت نگرش معماران در جهت همسویی با نیازهای مخاطبین، جامعه و کارفرما درک می‌شود.